

نظرخواهی سایت گزارشگران درباره تشدید و تداوم سانسور نشریات - فیلترینگ و سرکوب روزنامه نگاران و نویسندگان

همانطور که مطلع هستید در ماههای اخیر امواج سانسور و سرکوب از سوی رژیم ابعادی گسترده تر یافته است. روزنامه نگاران و نویسندگان به سیاهچالها روانه و یا به اعدام محکوم میشوند. نشریات مستقل و آزاد ممنوعه و یا به دفاتر فعالین حقوق بشر هجوم و هرگونه مجرای خبررسانی را مهر و موم میکنند. بر طبق اظهارات مسئولین نظام جمهوری اسلامی طی چندسال گذشته صدها هزار وبلاگ و رسانه اینترنتی در داخل و خارج از کشور مسدود و یا با فیلترینگ گسترده مواجه شده اند. دانشجویان کماکان تاوان آزادی خواهی خود را میدهند و فعالین و رهبران کارگری و جنبش زنان و معلمان در زندانها بسر میبرند .

با توجه به داده های فوق که انعکاس اخبار تاکنونی است بنظر شما :

س - دلایل تشدید سرکوب و سانسور در ماههای اخیر بطور مختصر کدام است ؟

ج - ببینید . هر ارگانیزی به هنگامی که مورد تهاجم قرار میگیرد منقبض میشود و پس از رفع خطر منبسط . این قانون عام واکنش ارگانیزم در مقابل تهدید از خارج خودش است . بنابراین پاسخ این است که رژیم احساس خطر میکند. این احساس خطر اگر چه منشاء بیرونی دارد اما تهدید یک تهدید درونی است .

واقعیت آنست که بدنبال اشغال عراق که پیش از این همراه با ایران و کره شمالی به عنوان اعضای محور شرارت اعلام شده بود ، برای رژیم مسجل گردید که ایالات متحده طرح " تعویض رژیم" در ایران را بطور جدی روی میز دارد . مقابله با این طرح دوره بیشتر نداشت یا رفتن به خط لیبی و تسلیم بی قید و شرط در مقابل آمریکا و تن دادن به رفرم و انتخابات به مثابه پیش شرط تسلیم که این البته با توجه به شدت و حدت تضادهای درون جامعه و " سیستم با جامعه" معنایی جز خودکشی نمی داشت و یا روی آوردن به سیاست تقابل. به همین دلیل هم رژیم در کنار پروژه تکپایه کردن خود در داخل صحنه نبرد را به عراق منتقل کرد .

این مسیральته که الزامات خاص خودش را داشت که در راس آنها بستن فضای تنفسی در داخل و آماده کردن سیستم برای برخورد با تهدیدات درونی بود . چرا که اگر چه تهاجم نظامی از خارج برای تمامیت رژیم بسیار خطرناک بود با این حال این تهاجم در کلیت خود بدون فعال شدن تهدید داخلی خصلت منهدم کننده برای نظام نمی توانست داشته باشد.

بنابراین تنوریسیانهای رژیم در مقابل خود دو تهدید مشخص را کلاسه کرده اند و متناسب با این دو تهدید به مقابله با آنها برخاسته اند. تهدید اول که جدیتر هم بوده و هست ، طرح تهاجم نظامی از خارج است که آنرا " براندازی سخت " نام نهاده اند و تهدید دیگر، ملتعب کردن جامعه و تحریک آن توسط سیستم رسانه ای در داخل و خارج و در راستای زمینه سازی برای یک انقلاب مخملی که بر آن نام " براندازی نرم" گذاشته اند. فشار بر رسانه ها و تشدید سرکوب را باید در این راستا و در کادر مقابله با تز تهاجم فرهنگی و با خصلت تدافعی ارزیابی کرد .

س - واکنش رسانه های موجود در برابر اقدامات رژیم اعم از مخالف و یا منتقد را چگونه ارزیابی میکنید؟

ج - اگر منظور رسانه های داخل است که واکنشی جز انتقاد و اعتراض از سوی آنها از اساس منتفی است . رژیم تا جایی همین اعتراض را هم میدان می دهد که شکل سازمانیافتگی به خود نگیرد . یعنی به محض آنکه یک حرکت متحد با شرکت افراد ، فی المثل وبلاگ نویسیها صورت می گیرد ، در منظر حاکمیت نمادی می شود از براندازی نرم و طبیعی ! است که با آن برخورد می شود .

س - تعریف شما از رسانه مستقل و یا وابسته چیست؟

من اساسا در شرایط کنونی به چیزی بنام رسانه مستقل باور ندارم . اکثریت قریب به اتفاق رسانه های موجود یا وابستگی مالی دارند و یا وابستگی تشکیلاتی . دسته سوم هم که در شمار دو گروه مذکور نیستند ، وابستگی خطی دارند . یعنی علی رغم آنکه موجودیتشان به تامین مالی و یا دستور تشکیلاتی گره نخورده است با اینحال در برخورد با تولیدات فکری در ملاء سیاسی خود مینا را نه ارزش مطالب تولید شده که فیلتر فکری و خط سیاسی خود قرار می دهند . با این حال اگر بخواهم زیاد مته به خشخاش نگذاشته باشم ، رسانه مستقل را می توان اینگونه تعریف کرد که در تعیین خطوط سیاسی و شکل حرکت و محتوای تولیدات رسانه مذکور ، تصمیم گیرنده تنها صاحب رسانه باشد و نه نهادی در بیرون آن . به عبارت بهتر نه مثل رسانه های ناما وابسته ای همچون صدای آمریکا ، بی بی سی ، صدای اسرائیل و یا رادیو زمانه که بلندگوی دولت مشخصی هستند و نه مثل رسانه های وابسته به گروه ها و احزاب سیاسی ، که ارگان انتشار دهنده خطوط جریانات مذکور می باشند .

س - چه تدابیر و مکانیزمی را برای عبور و یا شکستن دیوارهای سانسور و خفقان ضروری میدانید ؟

ج - بهترین مکانیزم شکستن دیوارهای سانسور و خفقان ، انهدام ساختار خفقان و نظام سانسور در عین و ذهن است . شاید این مهم در عالم عین با سرنگونی " جمهوری اسلامی " امکانپذیر باشد . اما مهمتر از آن انهدام سانسور و اختناق فکری در ذهن است که بسا سخت و طاقت فرساست و نیازمند انقلاب در ذهن است . همان که بدان می توان انقلاب ارزشی نام نهاد . ولی اگر نخواهم زیاد وارد معقولات شوم باید بگویم که در دنیای کنونی ما بویژه بدنیاال انقلاب اطلاعاتی و ظهور دو پدیده " اینترنت " و " ماهواره " ، اعمال سانسور و اختناق به مفهوم جلوگیری از انتشار آزادانه اخبار و اطلاعات در جوامع بشری را اگر نتوان غیر ممکن دانست ولی حتما بسا سختتر از دورانی است که نسل ما با آن چنگ در چنگ بود .

س - همبستگی و اشتراک مساعی رسانه های مستقل را تا چه اندازه لازم تلقی میکنید ؟

ج - همبستگی و اشتراک مساعی را من نه فقط در کادر رسانه های مستقل که مهمتر از آن در صحنه سیاسی ایران هم ، به همان اندازه هوایی که استنشاق می کنیم ، لازم و ضروری می دانم . بدون این اصلا تکامل جوامع انسانی از اساس امکانپذیر نمی بود . بدون این نه انقلابی در طول تاریخ شکل می گرفت و نه تحولی در جامعه صورت می پذیرفت . حتی در نقطه مقابل، سرکوب افسارگسیخته معاصر نیز بدون اشتراک مساعی سرکوبگران میسر نمی شد ! همبستگی و اتحاد، براترین سلاح سرکوب شدگان در برابر سرکوبگران در طول تاریخ بوده و هست . مبنای سی سال ماندن این رژیم در قدرت اگر سرکوب غیر قابل تصویری باشد که بی وقفه بر جامعه اعمال کرده و می کند ، شرط آن اما بی تردید پراکندگی ما بوده و هست .

با تشکر از شما

بهروز سورن

۱۲،۰۱،۲۰۰۹

www.gozareshgar.com